

مهیار؛ یار ماه

شهروند به زحمات نایلون‌ها را جابه‌جایی کند. کتاب‌ها را به تناسب قطرشان کنار هم در نایلون‌ها می‌چیند، شاید بتواند کمی راحت‌تر آنها را حمل کند. روزی زد کنترایش کار می‌کند. اهل کتاب خواندن است و از این کار لذت می‌برد. «باید کتاب زیاد بخوانیم، اصلی که متاسفانه فراموش شده است.»

«کیمیا» ریزنقش است با صورتی استخوانی، موهای فر و پوست برنزه. ظاهرش نشان از دانشجوی مقطع دکترا ندارد. جوان‌تر به نظر می‌رسد و به سبک‌وسایق مد تابستان لباس پوشیده است، رنگارنگ و زنده. قصه‌اش را که می‌پرسم، لبخند می‌زند. «واقعاً دوست داری قصه‌ها را برایت تعریف کنم؟ چه خوب که قصه‌های آدم‌های معمولی را می‌نویسید. معمولی بودن آدم، قصه‌هایتان جذاب است.» قصه‌اش را جذاب نمی‌داند. زندگی‌ای معمولی‌ای را در خانواده‌ای ساده شروع کرده و با حمایت خانواده درس خوانده و کاری برای خود دست‌وپا کرده است.

«روند طبیعی‌ای را در زندگی‌ام طی کرده‌ام اما در دوران کارشناسی هم خوابگاهی داشتم که دیدم را به زندگی تغییر داد و حالا دوستی عمیقی بینمان به وجود آمده است.» روی نیمکتی می‌نشینم تا قصه «مهیار» را برایت تعریف کند. نایلون‌های کتاب را گوشه‌ای می‌گذارد و در سبزه‌های آرام می‌گیرد تا نفس تازه کنیم. «غلب دانشجویان ۱۹-۱۸ سال بیشتر نداشتند اما «مهیار» ۲۸ سال را پر کرده بود و دانشجوی ترم اول علوم اجتماعی شاخه پژوهشگری بود.» اتاق‌های خوابگاه ۴ نفره بود. دانشجویانی از شهرها و روستاهای مختلف. «مهیار از روستایی کوچک از استان لرستان بود و در تمام ۴ سال یک‌بار هم به روستایشان سرزد.»

یکی از سرگرمی دانشجویان شب‌نشینی‌ها و دورهمی‌هاست اما هیچ‌گاه در این دورهمی‌ها «مهیار» به چشم نمی‌خورد تا مبادا کسی سوالی از او بپرسد. «خیلی درس می‌خواند و کتاب‌های غیردرسی هم بخشی از برنامه‌های روزانه‌اش بود. کم غذا می‌خورد؛ گاهی اوقات یک تخم‌مرغ را در دو وعده می‌خورد. سینما و تفریح کاملاً تعطیل بود. بیشتر اوقات تنها او را با یک لباس می‌دیدم. یک دوستی لباس برای خوابگاه و لباسی برای دانشگاه.» تنها چیزی که بچه‌های خوابگاه از «مهیار» می‌دانستند در این خلاصه می‌شد که پدرش را از دست داده است، اگرچه خبر مرگ ناگهانی یکی از برادرهایش هم او را در ماتی عمیق فرو برد اما این مسئله هم بهانه‌ای نشد برای رفتن به لرستان! «بعد از یکی دو ترم متوجه شدم شرایط مالی خوبی ندارد و «مهیار» مخارج تحصیلیش را با حداقل پس‌اندازی که سال‌ها برایش کار کرده بود، تأمین می‌کند و برای همین صرفه‌جویی را می‌شد در تمام ابعاد زندگی دانشجویی‌اش دید. خوب یاد می‌آید برای اینکه شامپوی کمتری مصرف کند موهایش را کوتاه کرد. همه اعضای خانواده با تحصیلیش مخالف بودند و برای همین طردش کرده بودند اما باز تصمیمش منصرف نشده بود.» «مهیار» سوزۀ دخترهای خوابگاه بود و همه سعی داشتند سر را از زهای او در بیاورند. «کم حرف بود و به کسی کار نداشت و سرش به کار خودش بود.»

«کیمیا» بطری آب را تا نیمه سسر می‌کشد و از گرما گله می‌کشد. «در دورانی که همه ما سعی می‌کردیم کلاس‌ها را ببیچانیم «مهیار» درس می‌خواند و مقاله می‌نوشت. لیسانس را با بالاترین معدل تمام کرد و در عین ناباوری‌مان بلافاصله در کارشناسی ارشد تحصیل کرد دورانی که به گفته دانشجویان تازه‌وارد با همان سختی‌ها و صرفه‌جویی‌ها به پایان رسید، البته در آن دوران «مهیار» کاری هم برای خود دست‌وپا کرده بود و درآمد ناچیزی داشت. بعدها شنیدیم که با نمره بالا دکترا گرفته و حالا استاد دانشگاه است.» «مهیار» سال‌ها به لرستان نرفته و هر از گاهی هم که تماسی از طرف خانواده‌اش گرفته می‌شد تا مدت‌ها اشک مهمان چشمانش بود. «مهیار» حالا ساکن اصفهان و زندگی خوبی برای خود دست‌وپا کرده است و در یکی از دانشگاه‌های آزاد این استان تدریس می‌کند. «آخرین بار که با هم تلفنی صحبت کردیم قصد مهاجرت داشت و می‌گفت بعد از مهاجرت به بهانه‌ای مادرش را پیش خودش می‌برد تا برای همیشه از دست برادر و خواهر زورگوش راحت شود.» در تمام این سال‌ها تلاش «مهیار» برای زندگی با مادرش بی‌نتیجه مانده بود و هر بار مادرش به اصفهان می‌آمد برادرش با دعوا و مرافعه او را برمی‌گرداند لرستان. البته «مهیار» در تمام این سال‌ها مخارج مادر را تأمین می‌کند و کمک‌حال اوست. «یکی از ویژگی‌های «مهیار» سختکوشی و امیدواری است و همیشه سعی کرده‌ام به اندازه‌ها و صبور و امیدوار باشم.» «کیمیا» آهی می‌کشد و نایلون‌ها را در دستش جاگیر می‌کند «یادش به‌خیر دوران خوبی بود.» «کیمیا» با حس و حالی متفاوت خداحافظی می‌کند تا خود را به بی‌آرتی‌ها برساند.

در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.

۹۳ زن مجرد مادر شدند

مدیر کل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور از واگذاری فرزندخوانده به ۹۳ زن مجرد در سال گذشته خبر داد. محمد نقره‌به، آمار واگذاری کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست به زنان مجرد بالای ۳۰ سال در سال ۹۶ را اعلام کرد و درباره شرایط دختران متقاضی بالای ۳۰ سال برای فرزندخواندگی گفت: «نداشتن سوء پیشینه و نداشتن محکومیت کیفری، نداشتن اعتیاد، دریافت تأییدیه جسمی و روانی از مراجع مربوطه، داشتن تمکن مالی، ادای فرایض دینی و شرایطی از این دست از جمله شرایط مورد نیاز دختران مجرد برای تقاضای فرزندخواندگی است.» به گفته او: «دختران متقاضی بالای ۳۰ سال از آنجا که باید از عهده تأمین مخارج نگهداری و نیازهای فرزندخوانده برآیند، باید شغل ثابت و بیمه داشته باشند و در صورتی که شغل آزاد داشته باشند نیز با رایحه جواز کسب و تحقیق بازرسان بهزیستی و تأیید آنها در سایر موارد، مراحل اعطای فرزند به آنها صورت می‌گیرد.»



عکس: نسیم اعتمادی / شهروند

بررسی‌های «شهروند» نشان می‌دهد شهرداری تهران برای تجهیز چراغ‌های راهنمایی و رانندگی به برق اضطراری هیچ بودجه‌ای در نظر نگرفته است

خروج اضطراری از چهارراه‌های «چه کنم»

مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت کنترل ترافیک: تمام چراغ‌های راهنمایی و رانندگی در حال حاضر با برق شهری کار می‌کند اما منبع برق چراغ‌های چشمک‌زن انرژی خورشیدی است

اجتماعی هم از تجربه‌های خود در روزهای گذشته نوشتند. یکی از فعالان شبکه‌های اجتماعی در توییتهای نوشته است: «قطعی برق به چراغ‌های راهنمایی و رانندگی رسیده؟ نصف چراغ‌های طاقالی برای چندمین بار تو یک هفته گذشته خاموش؛ تقاطع‌های شلوغی مثل حافظه، ویلا، بهار و شریعتی، تو اوج ترافیک چراغ ندارند.» «فرشید» هم در حساب توییتری‌اش در این باره نوشته: «دیروز بیشتر از یک ساعت پشت راهنمندان یکی از چهارراه‌های تهران که به دلیل قطعی برق چراغش خاموش مانده بود گیر اقدام از میان بلبشوی ماشین‌های گره خورده زیر آفتاب داغ چند نفر هم به جان هم افتادند. نه افسری نه چراغی!» این طور که پیداست، در دیگر شهرها هم مردم دچار چنین مشکلی شده‌اند؛ مثلاً «علی» در این باره نوشته: «دیروز توی مشهد چهارراه‌ها علمیردانی نزدیک مفتح چراغ راهنمایی برق

نداشت، شیر توشیر بود. دیگه برق قطع می‌کنید چراغ راهنمایی رو قطع نکنید.» یکی از شهروندان اصفهانی هم در این باره نوشته است: «واقعاً نمیشه به فکری برای چراغ راهنمایی و رانندگی چهارراه‌ها کرد که وقتی برق اون منطقه قطع شده، خاموش نشن (مثل چراغ اضطراری)؟ امروز هر چهارراهی که رفتم چند تا ماشین زده بودن به هم و ترافیک وحشتناک از دست پلیسم کاری برنماید گویا تو این گرمای اصفهان.» «مهران» هم که یک شهروند کرمانی است، این طور اعتراض را اعلام کرده: «یک خواهش از اداره برق کرمان؛ آقا برق رو قطع می‌کنید باشه قبول؛ فقط یک رو نوشت از اون اعلامیه به راهنمایی و رانندگی هم بفرستید. مردم بیچاره چه گناهی کردن که باید یک ساعت تو چهارراه‌ها معطل ترافیک بشن؟» این ماجرا باعث اتفاقات تلخی هم شده است؛ آن طور که

«مهراد»، یک کاربر توییتر که نامی از شهرش نیاورده، نوشته: «چند روز پیش تو شهرمون یه کارگر با موتور میاد سر چهارراه. برق قطع بوده و چراغ راهنما خاموش بوده. اینم مثل بقیه همین طوری الکی میاد جلو و تاون شلوغی به ماشین بهش میزنه. از موتور میفته زمین. بعد یه لودر از روش رد میشه و متاسفانه فوت میشه. سه تا بچه هم داشته.» بعضی هم از راهکار حل این مشکل گفته‌اند: «تجهیز چراغ‌های راهنمایی و رانندگی به UPS برای مواقع قطع برق برای هر چهارراه بیشتر از دو میلیون هزینه نداره.» تعدادی از شهروندان تهرانی هم این روزها از اینکه موقع قطعی برق، تعداد ماموران راهنمایی و رانندگی به اندازه و مناسب نیست، گله می‌کنند: «رقار قطع می‌کنید، برق چهارراه‌ها رو قطع نکنید، برق چهارراه‌ها رو قطع می‌کنید دوتا پلیس بفرستین اونجا تا ترافیک بیش از این ناراحت نشیم.»

مسئولیت برق اضطراری با چه نهادی است؟
 پلیس راهنمایی و رانندگی نخستین نهاد مورد انتقاد مردم بود که با سخنان رئیس پلیس راهور تهران، توپ به زمین شهرداری پایتخت رسید. درست در روزهای اوج انتقاد مردم از وضعیت چهارراه‌ها، «محمد رضا مهباندار»، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ در این باره گفت: «اساساً زیرساخت‌های چراغ‌های راهنمایی و رانندگی تحت کنترل سازمان حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران است و موضوعیتی با پلیس ندارد.» او درباره دلیل این قطعی‌ها هم گفته بود: «این چراغ‌ها برق اضطراری ندارند و با قطع برق شهری قطع می‌شود. درخواست ما این بوده که برق چراغ‌ها از برق شهری جدا یا به انرژی خورشیدی متصل شود تا مشکل فعلی مرتفع شود. در شرایط فعلی کاری نمی‌توان کرد جز اینکه پلیس در تقاطع‌هایی که چراغ‌ها برق ندارد، حضور فعال و بزرنگ‌تری داشته باشد تا این مسأله خللی در روند تردد شهروندان تهرانی ایجاد نکند.» مهباندار تأیید کرده بود که این مسأله در وضعیت عبور و مرور و نظم شهری بی‌تأثیر نبوده اما از تمهیدات پلیس برای کمک به رفع این مشکل و مدیریت چهارراه‌ها سخن گفته بود.

شرکت کنترل ترافیک شهرداری تهران:
 نیازمند بودجه هستیم

بررسی‌های «شهروند» نشان می‌دهد که مسئولیت حفظ، نگهداری و رفع مشکلات چراغ‌های راهنمایی و رانندگی در سطح شهر تهران به‌عهده شرکت کنترل ترافیک شهرداری است و این مجموعه هم در تلاش است که در صورت تأمین بودجه، مشکل برق این چراغ‌ها را حل کند. «سعید احمد واحدی»، مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت کنترل ترافیک تهران در این باره به «شهروند» می‌گوید: «در سال‌های گذشته برخی چراغ‌ها برق اضطراری داشت، اما چون چندین سال ما قطعی برق در تهران نداشتیم لزوم این موضوع با توجه به هزینه بالا و فضای که اشغال می‌کند، احساس نمی‌شد. به‌طور کلی برقراری برق زیرساخت اضطراری برای این تعداد چراغ در تهران رقم بالایی می‌شود و با توجه به اینکه در چند سال گذشته قطعی برقی نداشتیم، چنین زیرساختی نداریم.» مدیر ارتباطات شرکت کنترل ترافیک شهرداری تهران درباره برنامه این شرکت برای حل مشکل چراغ‌های راهنمایی و رانندگی هم می‌گوید: «لان شرکت کنترل کیفیت ترافیک تهران برنامه‌هایی برای ایمنی تردد در ساعات قطع برق دارد که تأثیر این موضوع را کم می‌کند.» به نظر می‌آید در روزهای گذشته برنامه‌هایی برای تأمین این برق اضطراری تدوین شده، اما آن‌طور که واحدی می‌گوید نیازمند تأمین بودجه است: «این موضوع در بودجه سال ۹۷ شرکت کنترل کیفیت ترافیک لحاظ نشده است، چون در سال‌های گذشته چنین مشکلی وجود نداشت. به محض اینکه بودجه‌ای برای این موضوع لحاظ شود این کار انجام می‌شود و کار چندان زمانبری هم نیست. ما آمادگی انجام این پروژه با اولویت تقاطع‌های مهم تهران را داریم. الان هم دوستان راهور زحمت می‌کشند و شرایط نسبتاً خوبی ایجاد شده است.» او توضیح می‌دهد که تمام چراغ‌های راهنمایی و رانندگی در حال حاضر با برق شهری کار می‌کند اما منبع برق چراغ‌های چشمک‌زن انرژی خورشیدی است.



عکس: ها، ایستا



آغاز سال جدید صابئین مندایی
 بیروان آیین مندایی که بیروان حضرت یحیی (ع) به شمار می‌آید، از دیروز آغاز سال ۴۴۵ هزار و ۲۸۷ مندایی را جشن گرفتند؛ این عید در ماه «دولا» که مصادف با اواخر تیر است، آغاز می‌شود و براساس اعتقاد بیروان آیین مندایی سال نو هم‌زمان با خلقت حضرت آدم (س) است. به گزارش ایستا، بیروان آیین مندایی ۲ روز آغازین سال نو خود را «دوهاربا» به معنی عید بزرگ می‌نامند. صابئین قبل از عید بزرگ به نظافت خانه‌های خود می‌پردازند و برخی از آنها ۲ روز قبل از عید (مصادف با ۲۷ تیر) مراسم غسل تعمید را در ساحل شرقی کارون انجام می‌دهند و بعد از آن اعتکاف ۳۶ ساعته خود را آغاز می‌کنند.